

شهر داری و شهروندان؛ از قصه فاصله‌ها تا روایت مشارکت

فرزاد فروود طرح «محله‌ما» که همیاری مردم را در مدیریت شهر افزایش داده‌است

محدثه شوشتری
m.shushtari@shahraranews.ir



گزارش‌نویز

نوشته‌های روی دیوار پُر شده است از آنچه مردم دلشان خواسته است. این بار نوبت آن‌ها بوده که بگویند چه می‌خواهند. از پروژه‌های ریز تا درشت، هر آنچه مدنظرشان برای محل زندگی‌شان بوده، روی دیوار نوشته و پای آن را امضا کرده‌اند. هیچ کدامشان دوست ندارند وقتی صبح چشم خود را باز می‌کنند، طول و عرض محله‌شان، برای پروژه‌ای زیرورو شده باشد اما کسی نظر آن‌ها را نخواستہ باشد. اصلا آن‌ها از هر شخم‌زنی خیابان که در جریان ماجرایش نباشند، آزرده می‌شوند. شاید بهترین پروژه در راه باشد اما چون آن‌ها نظر نداده‌اند یا در جریان چگونگی انجام آن قرار نگرفته‌اند، دل خوشی از اجرایش ندارند. گاهی بدبین‌اند، گاهی ناراضی و در حالتی دیگر، بی تفاوت. این شده که قصه رابطه بین شهرداری و مردم، بیشتر قصه فاصله‌ها بوده تا قصه مشارکت. شاید کم کردن این فاصله‌ها به اندازه برقراری یک «دیالوگ» یا «گفت‌وگو» باشد؛ اما گفت‌وگویی نبوده یا به‌اندازه نیاز نبوده و برای همین، مردم دلخوش به تصمیم‌های مدیریت شهری نشده بودند. در واقع، هیچ‌وقت رابطه بین مردم و شهرداری آن‌قدر خوب نبوده که مردم خودشان را شریک کوچک‌ترین قدم‌ها و کارها در مدیریت شهری بدانند. اصلا آمدن چپ‌ها و رفتن راست‌ها و برعکس و یا آمدن گروهی میانه یا گروهی که شعار داده‌اند سیاسی نیستند، نگاه به شهرداری را تغییر نداده است. مردمی که فراری از مشارکت بودند تا ناراضی از خیلی امور... آن طرف ماجرا، مدیران شهرداری با هر جریان و نگاهی، مدام حرف از مشارکت‌دادن مردم در امور شهری به میان آورده‌اند، اما در نهایت میزان مشارکت اندک بوده است و مردم رغبت چندانی به مدیریت شهری نشان نداده‌اند. نخبگان هم در این میان بر این باور بوده‌اند که برخی از اقدامات مدیریت شهری، همان دموکراسی نیم‌بدن شهری را هم بلعیده است و شاید راهی جز توسل به خود مردم برای پیشبرد امور شهری باقی نباشد. به‌همین دلیل مردم را باید بیشتر به میدان تصمیم‌هایشان بیاورند و نگاه بالا به پایین را در حکمرانی شهری از بین ببرند.

● **برقراری «گفت‌وگو» برای کم کردن فاصله‌ها**
در واقع، قیف وارونه سیاست‌گذاری‌های شهری را که مدیران به‌جای مردم برای هر محله تصمیم می‌گرفتند، باید کنار گذاشت؛ سیاست‌گذاری‌هایی که به‌جای مشارکت، روی گردانی، حاصل آن بوده است. نمونه این روی گردانی از شهرداری را در اجرای پروژه‌های بزرگ شهری دیده‌ایم که حالا بعد از گذشت چند دهه از بازسازی‌ها در هسته مرکزی شهر به‌خصوص بافت اطراف حرم رضوی، همچنان مردم خود را هم‌خورد از تصمیم‌های شهرداری می‌بینند.

در همه این سال‌ها شاید بهتر بود به‌جای اینکه عده‌ای در شهرداری بنشینند و الیوم بودجه بنویسند، پشت درهای بسته پروژه طراحی کنند و برنامه کوتا‌مدت و بلندمدت گوش مردم از حرف پر است و در حال حاضر فقط کار و عمل می‌خواهند؛ چه از دولت چه شهرداری یا هر مقام و ارگان دیگر. این نگاه اجراشدن کوچک‌ترین کارها، آن هم با پیشنهاد خود شهروندان، شاید آخرین حلقه‌های امید برای جلب اعتماد و نظر مثبت مردم باشد.

در واقع خیلی پیش‌تر از آنکه هزاران میلیارد تومان از اداریی خود مردم در شهر هزینه شود، چه در زیرساخت‌های شهری و چه خدمات شهری، شاید بهترین کار، خواستن نظر و جلب مشارکت مردم بوده است. حالا اولین قدم با اجرای طرح «محله‌ما» برداشته شده و به گفته معاون شهردار و رئیس سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد، شهروندمحوری در تبصره ۲۲ بودجه مصوب شهرداری، ۵۵ درصد از سر جمع



امید برای جلب اعتماد و نظر مثبت مردم باشد. در واقع خیلی پیش‌تر از آنکه هزاران میلیارد تومان از اداریی خود مردم در شهر هزینه شود، چه در زیرساخت‌های شهری و چه خدمات شهری، شاید بهترین کار، خواستن نظر و جلب مشارکت مردم بوده است. حالا اولین قدم با اجرای طرح «محله‌ما» برداشته شده و به گفته معاون شهردار و رئیس سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد، شهروندمحوری در تبصره ۲۲ بودجه مصوب شهرداری، ۵۵ درصد از سر جمع



بنویسند، بیشتر به فکر کارهای فرهنگی قبل از اجرای این پروژه‌ها باشند. اما این بار شهرداری خواسته اجرای برخی از پروژه‌هایش را با این زیربنای کار «فرهنگی» کلنگ بزند. شاید گمشده سال‌ها، کم‌کم پیدا و جایش میان مردم باز شود. طراحان و گردانندگان در حوزه فرهنگی و اجتماعی شهرداری، مدتی است برای این منظور طرحی را کلید زده‌اند که شعار آن، همان برقراری «دیالوگ» و «گفت‌وگو» با شهروندان و نظرخواهی از آنان است برای آنچه قرار است در محل زندگی‌شان رخ دهد. طراحان و گردانندگان در حوزه فرهنگی مدیریت شهری، این طرح را «محله‌ما» نام نهاده‌اند. به میان مردمی رفته‌ایم که در طرح محله‌ما شرکت کرده‌اند. اینجا در یکی از محلات هسته مرکزی مشهد کنار دیواری ایستاده‌ایم که قرار است دیوارهای بلند بین شهروندان و مردم را بر دارد و فاصله‌ها را کم کند. حداقل اگر کل دیوارها برداشته نشدند، دیوارها کوتاه‌تر از گذشته شوند.

● **مردم بنویسند: دوست دارم اینجا...**
سوز سسرهای پاییزی به چهره‌های پنهان پشت ماسک‌ها شالقی می‌زند اما باز هم کسی از کنار این دیوار، بی تفاوت رد نمی‌شود. دلشان پُر از حرف است، پر از درد، پر از ناگفته‌ها، اصلا پُر از فریاد که بر سر شهرداری بکشند و... چنان‌که بین نوشته‌ها، جای فریادها خالی نیست؛ مثل خیلی از تعبیرهایی که سالیان سال وقتی صحبت از شهرداری در کوچه و بازار و هر محفلی به‌میان آمده، این تعبیرها هم شنیده شده: «شهرداری پوست می‌کند، خون در شیشه می‌کند، پول زور می‌گیرد و...». سرتاسر این دیوارها با بنرهایی به رنگ آبی آسمانی و زرد پوشانده شده‌است. بنرها را کادربندی کرده‌اند، هر کادر برای یک پیشنهاد، هر کادر با این نوشته چاپی آغاز شده است: «دوست دارم اینجا...». دوست دارم اینجا... و دوست دارم اینجا... که مردم آنچه را برای محله زندگی‌شان از شهرداری انتظار دارند، در آن می‌نویسند. تاکنون این بنرها در ۱۴۳ محله مشهد نصب

شده‌اند. هر رهگذری، پیشنهادی را می‌نویسد و می‌رود.

● **راه رفتنمان را هموار کنید**

پیرمردی عیاشی را به دیوار تکیه می‌دهد و فقط یک جمله می‌نویسد: «راه رفتنمان را هموار کنید». آبرپروژه‌هایتان بماند برای روزهای بعد که دست و پامان نشکسته باشد و بتوانیم ما در آن پروژه‌هایتان بگذاریم». تمام خواسته‌اش برای محله زندگی‌اش، چند پیاده‌رو هموار است؛ انتظاری که در دیگر پیشنهادهای شهروندان هم زیاد دیده می‌شود؛ اینکه پیاده‌روهای شهر بهسازی و هموار شوند. معلم بازنشسته محل هم شاید خیلی چیزها در ذهنش بود که از شهرداری شهری مثل مشهد به زبان آورد. اما نه از آمال و آرزوهایش برای تبدیل معابر و خیابان‌های محل زندگی‌اش به مثابه فلان «سیتی» دنیا حرف زد و نه از پیشنهاد سنگ‌های بزرگی که هیچ‌وقت به هدف نمی‌خورند. لچکی‌های فضای سبز محله‌شان حتی یک نیمکت هم برای نشستن عابران و رهگذران ندارد. معلم بازنشسته مازیک را برمی‌دارد و مثل روزهای معلمی شروع به نوشتن می‌کند: «دنیا‌ی ما گاهی با یک نیمکت هم دنیای بهتری می‌شود. لطفا در فضاهای سبز لچکی، نیمکت بگذارید».

معلم، چند نوجوان رهگذر را هم دعوت به پیشنهاد پروژه به شهرداری می‌کند. زمین روباز فوتبال، استخر ورزشی، ایجاد پارک محله، سه پیشنهادی هستند که این نوجوانان برای اجرای پروژه‌های جدید شهری در محل زندگی‌شان عنوان می‌کنند و روی دیوار طرح محله ما می‌نویسند.

● **بن‌بست‌ها را باز کنید؛ اما امنیت می‌خواهیم**

هیچ شهروندی بدون نوشتن نظر و پیشنهادی از کنار بنرهای محله ما نمی‌گذرد. خانم جوان کالسنکه نوزادش را متوقف می‌کند و از هراسی که برای عبور و مرور در محل

رئیس سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد خبر داد

ثبت ۵۴ هزار پیشنهاد شهروندی

اعتبارات پروژه‌های عمرانی سالانه را به اجرای پروژه‌های پیشنهادی شهروندان اختصاص داده است. این مهم در آلیوم بودجه امسال شهرداری نیز گنجانده شده است و آن طور که محمدمحسن مصحفی در گفت‌وگو با خبرنگار ما از خروجی طرح محله ما تشریح می‌کند، از ابتدای سال جاری ۶۴پروژه پیشنهادی مهم از این محل اعتبار گرفت‌اند. با توسعه طرح، قطعا در سال‌های آینده، درصد بیشتری از بودجه عمرانی به پیشنهادهای مردمی اختصاص خواهد یافت که این مسئله به میزان استقبال و مشارکت‌های شهروندان بستگی دارد. او هدف از اجرای این طرح را تغییر در شیوه مدیریت شهر می‌داند و معتقد است: مشارکت یک‌شبه در



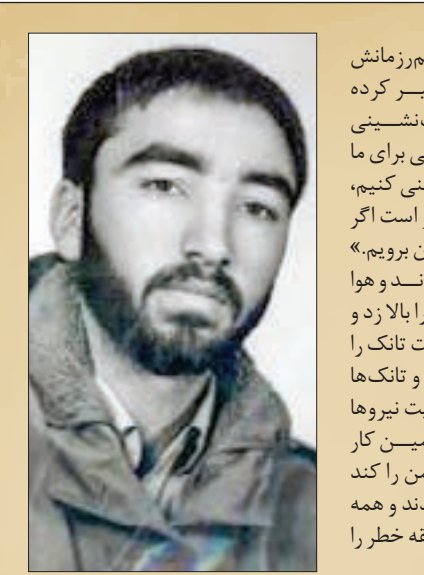
زندگی‌اش دارد، می‌نویسد: «ما امنیت نداریم؛ لطفا کوچه‌های بن‌بست را باز کنید. کنار زیرگذرها، نگهبان بگذارید. پیاده‌روهای باریک را عریض کنید.»

صاحب مغازه‌های محل هم چند نفری با هم آمده‌اند تا یک خواسته مشترک را روی دیوار طرح محله ما حک کنند. درد مشترکشان تصادفات زیاد مقابل مغازه‌های آنان، نبود پارکینگ در محله‌شان و چند دوربرگردان خطرناک است که باید اصلاح هندسی شوند، پارکینگ ایجاد شود و عرض خیابان، بیشتر شود. آن‌ها هم پیشنهاد پروژه‌هایشان را برای مدیران شهری می‌نویسند و امضا می‌کنند.

● **دیوار نویسی کنار دیدارهای حضوری**

حالا بنرها جایی برای نوشتن ندارند. پُر از خواسته‌ها و مطالباتی شده‌اند که مردم از مدیریت شهری می‌خواهند. در آن طرف ماجرا، مدیریت شهری، طراحی این پروژه‌ها را با تیم تخصصی از پژوهشگران اجتماعی و کارشناسان معماری و شهرسازی آغاز کرده است تا آنچه قرار است اتفاق بیفتد، برپایه نظر و پیشنهادهای مردم باشد. کنار این دیوار نویسی‌ها برای شهرداری که قدم اول برای «گفت‌وگو» با شهروندان است، جلسات حضوری هم برای برقراری «دیالوگ» بین شهرداری و شهروندان دراد کرده شده. سیاست ثابت کرده‌اند. این پیشنهادها از گفت‌وشنود از انتظارات مردم، سیاست راه‌گشایی باشد. مردم در مسجد و پارک و باتوق‌های محله جمع می‌شوند و مسئولان شهرداری پای حرف‌های آنان می‌نشینند تا درباره هر آنچه قرار است در محل زندگی آن‌ها رخ دهد، گفت‌وگو کنند. حالا باید نشست و دید که آیا شهروندان با شهرداری آشتی می‌کنند؟ شاید قصه این مشارکت‌ها، پایان بهتری برای زندگی زیر پوست این شهر باشد.

شهرداری پیشنهاد می‌کند. آماری که رئیس سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد از نتایج اجرای طرح محله ما تاکنون ارائه می‌دهد، نشان از استقبال مردم دارد. شهروندان ۵۴ هزار پیشنهاد را در آن استقبال مردم دارد. شهروندان ۵۴ هزار پیشنهاد ۱۴۳ محله که طرح در آن‌ها اجرا شده، جمع‌آوری شده است. ۲۰۲میلیارد ریال هم میزان بودجه‌ای است که به گفته مصحفی، تاکنون برای پروژه‌های پیشنهادی شهروندان در طرح محله ما اختصاص یافته و همچنان اجرای پروژه‌ها و در طرف دیگر، جمع‌آوری نظرات مردمی و گفت‌وگو با شهروندان با قوت ادامه دارد. سخن پایانی مصحفی درباره طرح محله ما این است که اگر چه همه آنچه مردم در این طرح انتظار دارند، ممکن است محقق نشود، هر آنچه رخ می‌دهد، مطابق خواست مردم است.



بعد از شهادتش، یکی از هم‌زمانش تعریف می‌کرد: در کمین گیر کرده بودیم. به یزدانی گفتیم: «عقب‌نشینی کنیم». گفت «نه! عقب‌نشینی برای ما خوب نیست. اگر عقب‌نشینی کنیم، همه از بین می‌رویم. پس بهتر است اگر از بین می‌رویم یا آبرو از بین برویم.» تانک‌ها به سمت ما می‌آمدند و هوا گذاشت روی شانه موسی‌الرضا و گریه کرد. پدرمان گفت: «پس است دیگر، باید برود. دیرش شد؛ منتظرش هستند.» اما موسی‌الرضا گفت: «نه پدرجان! بگذار خوب سیر بشود.» آن موقع این حقیقت را نمی‌توانستیم درک کنیم اما او حقیقت را درک کرده بود و دیده بود. می‌گفت: «این آخرین دیداری است که ما داریم؛ بگذار ترک کنیم.»

روزنامه شهرامید وزندگی

شنبه ۲۲ شهریورماه ۱۳۹۲

۵۳

SHAHRARANEWS.IR

جامعه

با ما در ارتباط باشید

info@shahrara.com
۰۳۰۰۰۷۲۸۹
۰۹۱۵۴۲۹۴۵۸۰
پیام رسان
۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
تلفن

کرونا
● **نسرین اباذریان**؛ بعضی‌ها کرونا را مانند سرماخوردگی می‌دانند. خامی تا دو هفته پیش، مجلس بله‌برون داشت و روضه خوانی، حالا که کرونا گرفته، ماسک می‌زند! کرونا را جدی بگیریم.

نیروی انتظامی

● **شهروندا**؛ گوشی‌های به‌سرقت‌رفته را که توسط نیروی انتظامی کشف می‌شود، چکار می‌کنند؟ موارد کشف‌شده چرا جایی اطلاع‌رسانی نمی‌شود؟

سازمان اتوبوس‌رانی

● **۸۲۲...۰۹۰۲**؛ سایبان ایستگاه شیخ صدوق ۳، چهارراه برق، هنوز ساخته نشده است.

شهرداری

● **۰۵۷۶...۰۹۱۵**؛ در خیابان امام‌دوست (شاهد ۶۸) مثل بقیه مناطق، پارک خطی بسازید تا اهالی این منطقه هم سهمی از رفاه داشته باشند.

● **۰۴۳۲...۰۹۱۵**؛ نیروی یکی از پیمانکاران شهرداری مشهد هستم، نه تنها حقوق و مزایا و وضعیتش معلوم نیست، که از دادن فیش حقوقی نیز طفره می‌روند.

● **۰۱۹۴...۰۹۲۳**؛ هر روز یک ایده، روی ما نیروهای مدیریت تأمین آزمایش می‌شود! سابقه خدمت‌مان بالاست. آقای شهردار! بررسی کنید.

بانک و مؤسسات مالی و اعتباری

● **۰۶۱۰...۰۹۱۵**؛ پولی که صندوق اعتباری هنر برای خبرنگاران به بانک آینده واریز کرده است، قابل برداشت نیست، چون بانک به بهانه چک برگشتی حساب باز نمی‌کند.

سازمان تفریح

● **۰۲۴۰...۰۵۱۵**؛ سرعت‌گیرهای شهر اکثرا در شب به‌هیچ‌وجه دیده نمی‌شوند. لطفا رنگ آمیزی شوند تا خودروها دچار مشکل نشوند.

● **شهروندا**؛ شهرک حوالی، دو سرعت‌گیر دارد که احتیاج به رنگ‌آمیزی دارند. شهرک کربام‌آباد نیز سه‌سرعت‌گیر دارد که دیده نمی‌شوند.

دولت

● **امیرا**؛ تعطیلی بدون ذره‌ای کمک به مردم، نتیجه‌اش فقیرشدن ملت بدبخت است. کارگر روزمند و کاسب بدون کار چه بخورد؟

● **وحید همتیان**؛ مسئولان تکانی به خودشان بدهند و همه کمبوده‌ها را به کرونا و تحریم گره نزنند.

● **نوری**؛ تأمین آرد و نان و قیمت‌گذاری نان توسط دولت است یا نانوا‌ی‌ها؟ دولت وظیفه‌اش را انجام بدهد.

اجتماعی

● **آرام**؛ چقدر خوب است که مغازه‌ها ساعت ۶ عصر ببندند. همه خانواده اول شب دور هم جمع می‌شوند. شاید اول مشکلاتی پیش بیاید اما اگر طرح ادامه پیدا کند، عالی است. مردم هم برای خرید زودتر برنامه‌ریزی می‌کنند و خیلی از ناهنجاری‌ها و مشکلات هم حل می‌شود.

● **شهروندا**؛ با وجود بودن دو عدد سطل زباله در خیابان شهید یعقوبی ۲۴/۷ متأسفانه هنوز بعضی از افراد، آشغال‌ها منزل خود را بیرون از سطل زباله می‌گذارند.

علوم پزشکی

● **شهروندا**؛ از زحمات کادر درمان و حقوق و مزایای عقب‌افتاده‌شان هم گزارش تهیه کنید، مخصوصاً از بیمارستان خیریه امام‌زمان (عج).

نواقص پیاده‌روسازی رفع می‌شود

● **شهروندا**؛ پیاده‌روسازی حداقل علیراده ۶ تا ۱۰ در پیروزی ۲۰ که چندان هم طولانی نیست از چند ماه پیش آغاز شده و متأسفانه وضعیت آن نامناسب است! گویا نه نظارتی وجود دارد و نه پیگیری!

● **شهرداری منطقه ۱۹**؛ با توجه به اینکه مدت زمان اجرای پروژه مذکور ۲ ماه است و حدود ۲ ماه از آغاز آن سپری شده است، تمامی نواقص اجرای پروژه به صورت مستمر به پیمانکار اطلاع داده می‌شود که نسبت به رفع آن‌ها در اسرع وقت اقدام کند. شهروندا ارجمند می‌تواند برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۳۱۲۹۵۳۱۸ و ۳۱۲۹۵۳۱۸ روابط عمومی شهرداری منطقه ۹ تماس حاصل فرماید.

هرس درختان در زمستان صورت می‌گیرد

● **شهروندا**؛ بیشتر درختان خیابان‌ها و کوچه‌های محله بهاران در انتهای فرامرز عباسی کهنسال و نیازمند هرس شاخه‌های اضافی هستند.

● **شهرداری منطقه ۱۲**؛ شروع هرس درختان در زمستان و پس از خواب کامل درخت هست. به اطلاع می‌رساند که این درخواست باید از طریق پورتال سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری مشهد ارائه شود تا پس از بررسی لازم توسط کارشناسان این حوزه، اقدامات لازم برای آن انجام شود.

جنبش دانشجویی در خاطره‌ها

...میانگین سطح دانشجویان کشور بالاتر از طبقه متوسط نیست؛ اگر پایین‌تر نباشد که هست. البته افزایش عددی دانشجویان ارشد و دکتری که به‌نسبت دانشجویان کارشناسی برای حضور در دانشگاه و فعالیت‌های سیاسی کمتر وقت می‌گذارند نیز در تحول فضای عمومی بی‌تأثیر نیست. علت دیگر به توسعه و تکرر رسانه‌ها برمی‌گردد که فضای دانشگاه را در دل جامعه بزرگ‌تر هضم کرده است و آنان نمی‌توانند، مستقل از جامعه یک حرکت جدی درون‌زا را ایجاد و به‌صورت مستمر نمایندگی کنند. سبک زندگی جوانان نیز مغایر با وضعیت جنبشی است. سرانجام نیز اینکه وضعیت نظام جهانی به‌گونه‌ای است که آمریکا را به موقعیت قرن بیستم برنمی‌گرداند. با این ملاحظات گمان می‌کنم در آینده نه‌چندان دور سالروز جنبش دانشجویی را فقط باید در کتاب‌ها و خاطره‌ها جست‌وجو کرد.

اندام از یادداشت روزصفحه یک

حرف مردم

تاریخ

تاریخ

یادی از شهید موسی‌الرضا یزدانی، فرمانده طرح و عملیات لشکر ۵ نصر که باور داشت

اگر می‌رویم، با آبرو برویم

گردآوری: زهرا بیات

موسی‌الرضا یزدانی متولد اول مهر ۱۳۴۱ چتران، یکی از جوانانی بود که پس از پیروزی انقلاب به جمع سپاهیان پیوست و عازم جبهه‌های نبرد شد. او که در مقام فرمانده طرح و عملیات لشکر ۵ نصر همراه دیگر رزمندگان خراسانی خدمت می‌کرد، ۱۵ آذر سال ۱۳۶۵ در جزیره مجنون به شهادت رسید.

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●